

• نتیجه گیری از این بحث مختصر اینست:

در پایتخت کشوری که از یکطرف میزان نرخ تورم ده - پانزده درصد اعلام میشود و از طرف دیگر واکنشی دوره گرد هزینه واکس یک جفت کفش را ظرف یکماه از ۳٫۰۰۰ ریال به ۵٫۰۰۰ ریال افزایش میدهد، تاکسی آژانس برای کرایه راهی که ۲۰٫۰۰۰ تا ۲۵٫۰۰۰ ریال میگرفته ۴۰٫۰۰۰ ریال مطالبه میکند، برنج کیلویی ۲۱٫۰۰۰ ریال به ۲۷٫۰۰۰ ریال صعود مینماید، آپارتمان متر مربعی از سه میلیون تومان به بالا فروخته میشود، هزینه درمان و بیمارستان از؟؟ چگونه میتوان از دوام و مطمئن بودن پایه های حکومتی صحبت کرد که بجای مهار کردن قیمتها و آرام کردن تشویش اذهان میخواهد به اصلاحات اساسی (ایرانی و جهانی) دست بزند و راه رسیدن به این هدفها را هم غلیظ کردن رنگ و لعاب تبلیغات و تکرار تظاهرات خیابانی تعیین نموده است؟

تبلیغات بی محتوا ممکن است به اصطلاح عوام مدتی ملتی را سر کار بگذارد، ولی سرانجام مشتتها باز و حقایق برملا میشود لذا بجاست مسئولان درجه بالا ضمن اندیشیدن به راه حلهای عاقلانه از خود بپرسند: بمناسبت پیروزیهای فرضی، راه انداختن راهپیماییهای نوجوانان - که حق و حقوق (مسلم) را در خیابانها تعیین نمایند - نشانه ای از شکست و عقب نشینی دشمن تلقی میشود یا طرف مبارزه ی ما آن حرکات و شعارهای تکراری را ناشی از عدم ثبات و ضعف هیات حاکمه خواهد شمرد؟

انفجار فاجعه بار شیراز چه پیامی دارد؟

انفجار فاجعه بار حسینیه شیراز عارضه ای از یک بیماری اجتماعی دیگر ناشی از حکومت بسته، یکسونگر و انحصارگرای جمهوری اسلامی است که سرانجام عواقب خود را نشان داده است. اختلافات ناشی از برتری جویی و انحصارگری فرقه ای و مذهبی که جمهوری اسلامی در طی این سه دهه ایجاد و ترغیب کرده، و در طی سه سال گذشته به اوج ناپردی و خشونت گرایشی خود رسیده، میرود که زنجیره ای از عملیات تروریستی را نشان دهد. فاجعه دهشتناک شیراز فقط یک آغاز بود. بی احترامی به مذاهبها و باورهای دیگر با جلوگیری از فعالیت آزاد آنها و تخریب نیایشگاههای آنها، ایجاد محدودیتهای غیر قانونی و ضد حقوق بشری، زندانی کردن و کشتن رهبران مذهبی اقلیتها، جلوگیری از مشارکت برابر و سازنده همه شهروندان بدون خط کشی های عقیدتی، نارضایتی ها را انباشت میکند. وقتی نارضایتی ها از حد قابل تحمل گذشت، مدیریت آنها از دست خردمندان مسالمت جو خارج میشود و ستیزگران خشمگین بی منطق و خشونت گرا رهبری اعتراضات را بدست میگیرند و تروریسم جانشین اعتراض مدنی میشود. مهم نیست که این اعمال تروریستی و ضدبشری از فرقه گرایان درون حاکمیت سر بزند یا از بیرون. در هر حال، مسائل آن به دست و پای حکومت میپیچد و در نهایت حکومت را با خود فرو میکشد.

بیش از سیزده مورد انفجار بمب در اهواز در خرداد، شهریور و بهمن

• با دادن شعار آنکه در اداره امور کشور و نظارت بر حسن جریان کارها ((میزان رای ملت و در مجموع مجلس شورا است)) باز هم انتخابات نیمه کاره و صد در صد مغایر با نظر قانونگذار و مفاد قانون صورت گرفته و با حضور افراد از غربال و صافی گذشته ساخته شده است که انتخاب آنان با موازین ((عدالت، انصاف و اصول)) نسبتی نداشته و در واقع منتخبین شایستگی استفاده از نام وکیل و امین مردم را ندارند لذا قادر به انجام وظیفه مهمی نخواهند بود!

• مقامات درجه اول و مسئولان پائینتر که باید مجهز به تخصص و دانش مربوط و تجربه کاری لازم باشند، صرفا با در نظر گرفتن امتیازات وابستگی فامیلی و گروهی در راس پستها قرار می گیرند و پس از جابجائی در حوزه هیات حاکمه مورد پرسش و جوابگویی پیرامون خطاها و سوءاستفاده ها قرار نمی گیرند، اصولا گوئی مردم گرفتار اما هوشیار و آن عده از دانشوران منتقد، افراد نامحرم و خطرناک هستند که هیچگاه در تدوین برنامه ها و اطلاع از اخبار مهم مربوط به سرنوشت خود و فرزندانشان شرکت داده نمیشوند، لذا هیچگاه معلوم و روشن نمیشود که مسئول یا مسئولان اتلاف پول و عمر و حیثیت ملت ایران چه کسانی بوده اند؟ و در انجام وظایف معیار نیک و بد چیست؟

• هنگام مطرح بودن اشتباهات و خطاهای مسئولان بی دلیل بعنوان مقایسه سراغ پرونده رجال و خدمتگزاران صدیق و عاشق ایران که از دروازه های تاریخ به نیکنامی گذشته اند میروند و به زعم خود دنبال نقطه ضعف آنها میگردند، در حالیکه بفرض پیدا کردن نکته ای در گذشته ها، گناهان و سهل انگاریهای داخلی و جهانی امروز چگونه میتواند توجیه گردیده و آنگاه بخشوده بشوند؟! سیاستهای غلط دشمن ساز، از دست دادن امتیازات و حقوق تاریخی، کوتاهی در حفظ تمامیت ارضی، ایجاد تشدید کینه و نفرت جهانی را با کدام مقایسه میتوان موجه شمرد؟

• جالبتر اینکه عملا انجام اصلاحات و تامین حداقل زندگی ایرانی نجیب و شریف را به زمان اصلاح مدیریت جهانی (لاید بوسيله خودشان!) موکول مینمایند و این نظر مضحک را در بوقهای تبلیغاتی و رسانه ای قرار میدهند و به فریادهای عدالتخواهی و آزادی طلبی کمترین توجهی نمیکنند و در این شرایط زندگی ایرانی است که گاه و بیگاه نوجوانان دانش آموز و عده ای مخصوص، برای کوبیدن مشت بر دهان استکبار جهانی برمیخیزند و راهپیمایی مینمایند و اندیشه نمیکنند که مشت محکم آنان بر سر اقتصاد و اشتغال بحرانی خودمان فرود می آید یا دهان استکبار را خونین میکند؟!